

شبکه های ناحیه ای و توسعه محلی با تاکید بر پیوندهای روستایی - شهری
نمونه موردی: شبکه تولید شیر در ناحیه لیتکوه (آمل / مازندران)

عباس سعیدی^۱ و فرهاد عزیز پور^۲

واژگان کلیدی: شبکه ناحیه ای؛ توسعه محلی؛ پیوندهای روستایی - شهری؛ ناحیه لیتکوه (آمل)

چکیده

شبکه های ناحیه ای براساس جریانهای مختلف جاری میان سکونتگاههای روستایی و کانونهای شهری تعریف می شوند. این جریانها شالوده اصلی پیوندهای روستایی - شهری به شمار می آیند و برحسب جریان عینی افراد، سرمایه، کالاها، اطلاعات، فناوری و مانند آن در بین نواحی روستایی و شهری تبیین می گردند. براین مبنا، اثربخشی بالقوه پیوندهای روستایی - شهری نه تنها بر تقویت این گونه پیوندها، بلکه بر پیشگیری از تبعات احتمالا منفی آنها تاکید دارد. در این چارچوب، این مقاله می کوشد تا تصویری از تولید کوچک مقیاس شیر در ناحیه ای روستایی در شمال ایران (ناحیه لیتکوه مازندران) با تاکید بر فایده بخشی اقتصادی آن و نیز پیش بینی چگونگی برپایی و گسترش شبکه ای ناحیه ای در قالبی مشارکت جویانه (با توجه به نقش زنان) که می تواند اقتصاد روستایی را به بازارهای شهری پیوند دهد، ارائه نماید. در چنین شرایطی، این گونه پیوندها در چارچوبه ای تعاملی، شکلی دوسویه خواهند داشت و مکمل روابط متقابل روستایی - شهری به شمار خواهند رفت. به این ترتیب، این مقاله نشان می دهد که تولید شیر، به عنوان نمونه، می تواند ابزاری ارزشمند در تسریع توسعه روستایی و تحول اجتماعی به شمار آید. آشکار است که برای تضمین چنین روندی از توسعه در فعالیتهای کوچک مقیاس تولید شیر در این ناحیه، تبیین عرصه های دخالت در راستای منافع تولید کنندگان خرد روستایی، از جمله اقدامات ترویجی و آموزشی، الزامی است. بنابراین، اتخاذ راهبردهای متکی بر نگرشی هماهنگ به تمامی جنبه های توسعه روستایی با توجه ویژه به دستیابی به راهکارهایی برای برقراری پیوندهایی مناسب تر میان تولیدکنندگان خرد روستایی و بازارهای شهری ضروری است. برپایی چنین زیربنایی در این رابطه می تواند زمینه ساز رشد جدی عرضه شیر مورد نیاز و افزایش درآمد در محیطهای روستایی باشد.

^۱ . عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

^۲ . دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی (دانشگاه شهید بهشتی)

مقدمه

جهان امروز و همه پدیده های محیطی و اجتماعی - اقتصادی آن در حال تحولی شتابان است و آشکار است که بی اعتنایی و یا باز ماندن از این تحولات به هیچ معنا جایز نیست. تحولات دنیای نو به ما می آموزد که آنچه در مباحث علمی اساسی به نظر می آید، نه پایبندی دیرپا و متعصبانه به تئوریهای قاعدتا متغیر، بلکه تاکید بر ضرورت ارزیابی دوباره و چند باره باورهای علمی خود است. در مسیر این تحولات که در مقیاسی جهانی در پیش رو قرار دارند، جستجوی راه حلها و راههای خروج از مسایل و معضلات مبتلابه جامعه، بویژه کوشش در راه حل و تعدیل نابرابریها و تاکید بر عدالت اجتماعی در همه فضاها و عرصه های زندگی، مستلزم این گونه تلاش علمی است.

در همین مسیر، امروزه علاوه بر روابط سنتی و تاریخی، روابط تعاملی از نوع دیگر نیز عرصه های روستایی و کانونهای شهری را به یکدیگر پیوند می دهند. بر این مبنا، سکونتگاههای روستایی به طرق گوناگون با شهرها در ارتباط و پیوند قرار دارند و پیوندهای روستایی - شهری نزد افراد، گروهها و خانوارهای روستایی بخش مهمی از واقعیت مکانی - فضایی و زیستی - عملکردی سکونتگاههای انسانی به شمار می رود.^۱ البته تعاریف مبتنی بر پایه جدایی سکونتگاههای شهری و روستایی غالباً بر این فرض متکی هستند که زندگی و معیشت ساکنان این دو نوع کانون زیستی را می توان به سادگی به دو قسمت کاملاً متفاوت و جدا از هم تفکیک نمود: کشاورزی در محیطهای روستایی و صنعت و خدمات در کانونهای شهری. این در حالی است که در حال حاضر، منبع درآمد بسیاری از ساکنان شهرها از عرصه های روستایی فراچنگ می آید و محل کار و کسب درآمد بسیاری از روستاییان، مراکز شهری است.^۲

پیوندهای روستایی - شهری که در قالب شبکه های ناحیه ای^۳ بروز فضایی می یابند، از مقولات نوین در مباحث جغرافیای امروزی است. شبکه های ناحیه ای براساس جریانهای جاری میان سکونتگاههای روستایی و کانونهای شهری تعریف می شوند. این جریانها شامل جریان افراد، کالاها، اطلاعات، نوآوری و مانند آن است که در شرایط مناسب می توانند موجب پیوندهای روستایی - شهری گردند. در چنین شرایطی، این گونه پیوندها در چارچوبه ای تعاملی، شکلی دوسویه^۴ می یابند و مکمل روابط متقابل روستایی - شهری به شمار خواهند رفت. آشکار است که پدیداری روابط

^۱ . پیوندهای روستایی - شهری در قالب شبکه منطقه ای مقوله ای نوین در مباحث برنامه ریزی روستایی و شهری است و جایز نیست با رویکرد های نسبتاً قدیمی مبتنی بر روابط شهر و روستا یکسان انگاشته شود. برای بحث بیشتر مراجعه شود به: سعیدی، ۱۳۸۲

^۲ . سعیدی، همانجا؛ ضمناً نگاه شود به: میسرا، ۱۹۸۶؛ تاکولی، ۱۹۹۸؛ داگلاس، ۱۹۹۸

^۳ . regional networks

^۴ . reciprocal

شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری و نیز مسایل و پیامدهای مرتبط با آن از یک کشور به کشور دیگر، همراه با تنوع بسترهای اجتماعی- اقتصادی، به نحوی متفاوت جلوه گر می شوند، اما ویژگی عمومی و در واقع پیام این پویش نوین آن است که در راه توسعه، گذر از توقف و تاکید بر روابط سلطه آمیز به سوی پیوندهای مکمل و سازنده حرکتی الزامی به شمار می رود.^۱

تاکولی (۲۰۰۴) معتقد است، پیوندهای روستایی- شهری در عرصه اقتصاد ناحیه ای از یک سو دربرگیرنده جریان محصولات کشاورزی و سایر تولیدات از سوی روستانشینان به بازارهای شهری و از سوی دیگر، زمینه ساز جریان کالاهای صنعتی از مراکز شهری به سوی سکونتگاههای روستایی است. در این ارتباط، جریان اطلاعات بین نواحی روستایی و شهری، آگاهی از سازوکارهای بازار- از نوسانات قیمت گرفته تا ذائقه مصرف کنندگان- و فرصتها و امکانات شغلی برای مهاجران بالقوه^۲ را شامل می گردد. بدینسان، جریان اعتبارات و منابع مالی در نواحی روستایی عمدتاً شامل ارسال نقدینه از سوی مهاجران به افراد خانواده در روستا و سرمایه گذاری و دریافت اعتبار از نهادهای شهری می شود.^۳ این گونه جریانها که در واقع آنها را می توان جریانهای فضایی^۴ نامید، با پیوندهای تعاملی میان بخشهای فعالیتی، هم در سطح خانوار و هم در سطح اقتصاد محلی، تلفیق می شوند و موجد پیوندهای درونی و بیرونی بین بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات می گردند.

طرح مساله، فرضیه و اهداف تحقیق

تاکید سیاستگذاران و برنامه ریزان در برپایی قطبهای توسعه بر پایه تمرکز صنایع در مراکز شهری در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ و تداوم آن در دهه های بعد که به طور کلی با بی مهری به بهبود روابط حاکم بر شهرها و روستاها همراه بود، نه تنها به تقویت روابط و پیوندهای روستایی- شهری کمک نکرد، بلکه به علت عدم انطباق صنایع برپا شده با نقش و عملکرد کانونهای روستایی (به مثابه مراکز فعالیت کشاورزی)، زمینه های شکل گیری عملکردهای تعاملی و مکمل فراهم نگردید. به این ترتیب، مسایل و مشکلات عدیده روستایی، از جمله پایین بودن میزان تولید و به تبع آن، نازل بودن درآمدهای کشاورزی، نرخ رو به رشد بیکاری، افزایش مهاجرت و امکان سرمایه گذاری محدود برجای ماند. این در حالی بود که شکل و شیوه غالب بهره برداریهای روستایی که عمدتاً بر کار و فعالیت خانوارهای روستانشین استوار بود، نتوانست با بازار و جریان سرمایه های شهری (و صنعتی) همپایی نماید. آنچه به این روند دامن می زد، تلقی نادرست برخی کارشناسان توسعه مبنی بر تاکید بر ضرورت گسترش شهرنشینی و ایجاد شهرهای بیشتر به مثابه زمینه سازی برای برپایی جامعه نوین (مدرن) بود. در همین رابطه، هرچند تولید مواد لبنی از گذشته های دور از جمله فعالیتهای روستانشینان به شمار می آید، اما امروزه هم از نظر سازمانی و هم از لحاظ دامنه فعالیت با تحولاتی همراه شده است، تا جایی که سازمان جهانی خواربار و کشاورزی^۵ ضمن حمایت از برنامه های

^۱ . همانجا

^۲ . potential migrants

^۳ . Tacoli, 2004, p.2

^۴ . spatial flows

^۵ . FAO

توسعه مواد لبنی، آن را ابزار ارزشمندی در تسریع توسعه یکپارچه روستایی^۱ و تحول اجتماعی^۲ به شمار می آورد.

در ناحیه روستایی لیتکوه^۳، همچون دیگر نواحی کشور، کشاورزی نه تنها به سبب عوامل درونی، بلکه بیشتر به واسطه نیروهای بیرونی^۴ در معرض دگرگونی شتابان است.^۵ یکی از مظاهر این گونه تحولات، روی آوری به تولید شیر در واحدهای کوچک خانوادگی است. از خصوصیات بارز این گونه واحدها، علیرغم محدودیت فعالیتهای آنها و کوچک بودن سطح تولید، اتصال آنها به کانونهای شهری است. آنچه در این میان کمال ضرورت را دارد، این مهم است که چگونه کل نظام اجتماعی - فنی^۶ ناحیه می تواند آنچنان توانمند گردد تا بتواند خود را با این مجموعه تحولات همساز سازد. این خود مستلزم توجه دقیق به نیروهای بازار^۷ و شبکه های منطقه ای^۸ با توجه به سهم و میزان و نیز درجه درجه توان نقش پذیری واحدهای کوچک خانوارهای کشاورز، موسسات و نهادهای جمعآوری شیر و نیز واحدهای صنعتی تولید مواد لبنی است.

بدینسان، تنها در مواردی که سرمایه گذاریها و فعالیتهای نسبتا گسترده شهری با فعالیتهای محدود خانوارهای روستایی در نوعی پیوند مکمل قرار گیرد، امکان تحول در روابط سنتی شهر و روستا و زمینه سازی تغییر و تحول مثبت در فضاهای روستایی فراهم می آید. یکی از زمینه های این گونه پیوندها به طور کلی د/مداری نیمه صنعتی در مقیاس واحدهای کوچک تولید خانوادگی در عرصه های روستایی است که خود موجد دگرگونیهایی در سطح روستاها، هم در مقیاس جهانی^۹ و هم در سطح محدوده این مطالعه، شده است. افزایش تعداد دامهای دورگه و "صنعتی"، شکل گیری شبکه های نوین تولید و توزیع مواد لبنی و نهایتا نوعی پایداری در کسب درآمد روستاییان از جمله این تحولات است که می تواند نوید دهنده نوعی تحول پایدار باشد.

براساس آنچه گذشت، پرسشهای اساسی این بررسی عبارتند از:

- پیوندهای مکمل بین نقاط روستایی و شهری از چه ویژگیهایی برخوردارند؟
- آیا پیوندهای مکمل روستایی - شهری منجر به شکل گیری عملکردهای دوسویه شده اند؟
- آیا با شکل گیری عملکردهای دوسویه می توان انتظار داشت، فرایند توسعه روستایی تسهیل گردد؟

1 . integrated rural development

2 . social change

3 . این محدوده در تقسیمات سنتی به عنوان بلوک لیتکوه شناخته می شد. بلوک در اصل مترادف ناحیه روستایی بود که با یک مکان مرکزی (به عنوان مرکزیت بلوک) در سطح محلی عمل می کرد.

4 . outside forces

5 . برای بحث بیشتر در باره "نیروهای درونی و بیرونی"، نگاه شود به: سعیدی، ۱۳۸۴، بویژه صص ۹-۱۳

6 . socio-technical regime

7 . market forces

8 . regional networks

9 . از جمله مراجعه شود به نقش این گونه واحدها در فیلیپین و گزارش خواندنی زیر: Garcia, O. et al, 2005

بر این اساس، فرضیه اساسی تحقیق این است که پیوندهای مکمل روستایی- شهری به عملکردهای دوسویه منجر می شود و این خود می تواند، زمینه ساز توسعه روستایی قلمداد گردد. بنابراین، با توجه به چنین شرایطی و در غیاب یا ضعف پیوندهای مکمل روستایی- شهری، انجام این مطالعه جهت روشن شدن نقش پیوندهای روستایی- شهری ضرورت پیدا می کند. با توجه به آنچه گفته شد، تحقیق حاضر به دنبال تحقق اهداف زیر است:

- رسیدن به درک صحیح از پیوندهای روستایی- شهری؛ و
- تشخیص و تبیین عملکردهای دوسویه روستایی- شهری با تاکید بر تعیین میزان تاثیرگذاری شبکه های تولید شیر بر توسعه روستایی؛ و در کنار آن،
- شناسایی نارساییهای احتمالی این شبکه.

بستر مکانی - فضایی و فعالیت واحدهای تولید شیر

ناحیه مورد بررسی شامل بخشی از قسمت غربی شهرستان آمل است و از لحاظ اداری- سیاسی، ۲ دهستان بالا خیابان و پایین خیابان را در بر دارد. این ناحیه از شمال به شهرستان محمود آباد، از غرب به شهرستان نور و از شرق به بخش دابودشت، همچنین محدوده شهر آمل و دهستان هزارپی جنوبی و از جنوب به بخش لاریجان محدود می گردد. ویژگیهای ساختار زمین، وجود خاکهای نسبتاً غنی و حاصلخیز و اقلیم نسبتاً مناسب، همراه با منابع طبیعی آب، در کنارهم زمینه شکل گیری عرصه های زیست و فعالیت گروههای انسانی را فراهم آورده است. ناحیه روستایی لیتکوه شامل دو دهستان به نامهای بالا خیابان لیتکوه و پایین خیابان لیتکوه است و جمعا ۷۲ آبادی دارای سکنه را در خود جای داده است. پراکنش فضایی آبادیها نسبتاً موزون و میانگین جمعیت در سطح محدوده ۱۶۴ خانوار است.^۱

در واقع، تناسب نسبی توزیع مکانی منابع طبیعی نسبتاً کافی، تنوع فعالیتهای اقتصادی را امکان پذیر ساخته است. برابر داده های آماری اخیر (۱۳۸۲)، حدود ۲۰۵۴۳ واحد بهره برداری کشاورزی در سطح آبادیهای ناحیه وجود دارد که موید تنوع فعالیتی و غلبه نوعی اقتصاد مخلوط در بین خانوارهای روستایی است. در واقع، فعالیتهای خانوارهای ناحیه در کنار کارگری (هم در مزرعه و هم در شهر) که بسیار رایج است، عبارتند از زراعت (۳۱/۵٪)، باغداری (۲۳/۲٪)، دامداری (۱۵/۳٪)، پرورش ماکیان (۲۹/۴٪) و فعالیتهایی مانند از جمله کاشت گیاهان گلخانه ای، پرورش کرم ابریشم و پرورش زنبور عسل (جمعا ۱/۹٪).^۲ همان گونه که داده ها نشان می دهند، زراعت، باغداری و دامداری به صورتی اغلب توأمان و به عنوان فعالیتهای اصلی، نقشی کلیدی در درآمد خانوارهای روستایی دارد و بقیه فعالیتهای "حاشیه ای" به شمار می روند. در همین ارتباط، نگهداری از دام بزرگ دورگه و تولید کوچک مقیاس شیر برای عرضه به بازار از جمله فعالیتهایی است که در سالهای اخیر در سطح روستاهای ناحیه به نوعی دسترسی به درآمدهای مکمل برای خانوارهای

^۱ . برگرفته از داده های مرکز بهداشتی- درمانی شهرستان آمل، ۱۳۸۴؛ این میزان براساس داده های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ برابر ۱۱۲ خانوار بود.

^۲ . سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۸۲، نتایج تفصیلی شهرستان آمل، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳

روستانشین منجر شده است. از نظر تعداد دام بزرگ موجود در روستاها در سطح ناحیه تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد: تعداد دام بزرگ از ۱۰ تا ۲۶۹۸ راس در نوسان است.^۱ بر همین اساس، شیر تولیدی از بیش از ۶۶٪ از دامهای بزرگ موجود در ناحیه به شبکه وارد می‌گردد.

از سوی دیگر، گرچه دام کوچک در سطح آبادیهای ناحیه به مراتب بیش از دام بزرگ است، اما شیر تولیدی آنها به دلایل گوناگون، از جمله محدودیت زمان شیردهی، کیفیت شیر و نیز اهمیت اقتصادی پروراندی و فروش گوسفند گوشتی، نقش موثری در حجم جریان تولید در شبکه برعهده ندارد. به سخن دیگر، شیر تولیدی از دامهای کوچک یا توسط بهره برداران روستایی به پنیر تبدیل می‌شود و در کنار مصرف خانگی، در بازارهای محلی به فروش می‌رسد و یا از طریق واسطه‌ها خریداری شده و در کارگاههای کوچک پنیر زنی در شهر آمل، تبدیل و فرآوری می‌شود. این قسمت حدود ۴۳٪ از روستاها را شامل می‌گردد. البته، همان‌گونه که گذشت، در مواردی که بیشتر پرورش دام کوچک به منظور تولید و فروش دام گوشتی صورت می‌پذیرد، تولید و عرضه شیر چندان مورد توجه قرار ندارد.

آبادیهای روستایی ناحیه لیتکوه به علت بعد ناچیز مسافت با شهر آمل و نقش و عملکردشان، از گذشته دور، در تعاملی نزدیک با این شهر قرار داشته‌اند. البته تعاملات و روابط بین این نقاط و شهر آمل جدا از تحولات رخ داده در سطح ملی نبوده است، به نحوی که تا پیش از بروز تحولات اجتماعی - اقتصادی در شهر آمل، این شهر صرفاً به عنوان مرکز مبادله کالایی برای روستاهای حوزه پیرامونی ایفای نقش می‌کرد. این نوع روابط که عمدتاً یکسویه و بعضاً سلطه آمیز بود، اثرات متفاوتی بر اقتصاد محیطهای روستایی داشت. بعد از تحولات صورت یافته در روابط اجتماعی - اقتصادی شهر آمل و شکل‌گیری واحدهای صنعتی (شرکت کاله، توکا و ...)، تحت تاثیر سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی مرتبط با نوع فعالیتهای اقتصادی، بویژه دامداری، پیوندهای تازه‌ای بین نقاط روستایی و شهر آمل برقرار گردید که به نوبه خود، منجر به شکل‌گیری تعامل و عملکردهای تقریباً دوسویه بین این کانون شهری و مراکز روستایی واقع در حوزه نفوذ آن گردید. به این ترتیب، همگام با این نوع تحول در نحوه تعامل روستایی - شهری و پدیداری نسبی جریان‌های نوین اطلاعات، نوآوری، سرمایه و ... در سطح ناحیه، فعالیتهای تولیدی در محیطهای روستایی تا حد قابل توجهی دگرگونی یافت. یکی از این گونه تحولات، برپایی شبکه‌های روستایی - شهری است^۲ که هرچند از لحاظ سامان‌پذیری، هنوز دوره "نوزادی" خود را می‌گذرانند، اما در مواردی، بویژه آنجا که اقتصاد مخلوط روستایی حاکم است، توانسته است جای خود را در سبد درآمدی خانوار روستایی باز نماید.

گرچه این نوع فعالیت با تنوع و تفاوت‌هایی همراه است، اما روی آوری به آن و دسترسی و مشارکت در شبکه به نحوی آشکار در سطح روستاهای ناحیه مشهود است. بدینسان، به واسطه تحول در

^۱ . داده‌های ارائه شده در متن مقاله برگرفته از نتایج مطالعات میدانی است، در غیر این صورت مآخذ داده‌ها ذکر شده است.

^۲ . برای اطلاع از این گونه شبکه‌ها، از جمله مراجعه شود به: داگلاس، ۱۹۹۸؛ ضمنا سعیدی، ۱۳۸۲

فعالیت دامداری، بویژه طی دو دهه گذشته، شبکه های تولید و جمع آوری شیر در ناحیه مورد بررسی، همچون برخی نواحی دیگر، اغلب به صورتی درونزا پدیدار شده اند. نکته اساسی این است که در مواردی، از جمله مورد مطالعاتی در این مقاله، به صورتی کاملاً خود به خودی و بدون پیش بینی مبتنی بر برنامه برقرار شده و می شود. این فرایند در کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور، از جمله در تهران نیز به صورتی دیگر پدیدار شده است. وجود کارگاههای متعدد در اطراف این شهر موید این نظر است. البته بی برنامه بودن این گونه پدیده ها در پاره ای موارد پیامدهای نامناسبی را از جهات مختلف زیست محیطی و اجتماعی - اقتصادی به همراه داشته است.^۱ واقعیت این است که برپایی این گونه شبکه ها نه تنها به علت نیاز به تغییر در روابط سنتی شهر و روستا، بلکه به عنوان ضرورتی نوین در اتصال عملکردی برخی فعالیتهای کانونهای شهری با حوزه های روستایی پیرامونی بوده است.

تحولات ساختاری در نظام فعالیت دامداری متاثر از این شرایط، نظیر تغییر نوع دام، کاهش تعداد دامهای کوچک و افزایش شمار دامهای بزرگ، تغییر نظام بهره برداری سنتی، شکل گیری شبکه های جدید تولید و توزیع مواد لبنی و ... سبب گردید تا نه تنها نقاط روستایی این ناحیه به شاخصهایی از توسعه روستایی (مانند افزایش درآمد، افزایش و تنوع تولید، افزایش امکان اشتغال و ... دست یابند، بلکه دگرگونیهایی نیز در بافت و ساخت و همچنین دامنه روابط عملکردی - فضایی آنها در سطح محلی و ناحیه ای پدید آید.

ساختار شبکه تولید و جمع آوری شیر

شبکه های تولید و جمع آوری شیر به عنوان نظامهای عملکردی در عرصه های فضایی، همچون هر نظام دیگر، از اجزایی اصلی تشکیل شده اند که بر اساس تعامل آنها برپا می شوند و دوام می یابند. به این ترتیب، اجزای اصلی یا بازیگران سه گانه این گونه شبکه ها عبارتند از:

- الف) واحدهای کوچک بهره برداری به عنوان تولید کنندگان اصلی شیر؛
 ب) سکوها یا مراکز جمع آوری شیر به عنوان اتصال دهندگان واحدهای کوچک خانوادگی به واحدهای فرآوری؛ و بالاخره،
 ج) واحدهای صنعتی فرآوری مواد لبنی موجود در عرصه های شهری (نمودار شماره ۱).

۱- **واحدهای بهره برداری:** هرچند شکل غالب واحدهای بهره برداری، واحدهای کوچک خانوادگی است، اما گونه های دیگری از واحدهای به اصطلاح صنعتی و در واقع، نیمه صنعتی نیز در سطح ناحیه فعالیت دارند.

الف) واحدهای کوچک خانوادگی: به تبعیت از اثرگذاری عوامل مختلف، ساختار نظام دامداری در سطح سکونتگاههای روستایی ناحیه، هم از نظر کیفی و هم از لحاظ کمی، متفاوت است. به سخن دیگر، تعداد واحدهای بهره برداری دامداری در سطح روستاهای ناحیه موید تفاوتهای چشمگیر در توزیع فضایی آنهاست، تا جایی که تعداد این واحدها بین ۶ تا ۶۰۰ واحد در روستاهای

^۱ . برای بحث بیشتر نگاه شود به: امجدی، ۱۳۸۳

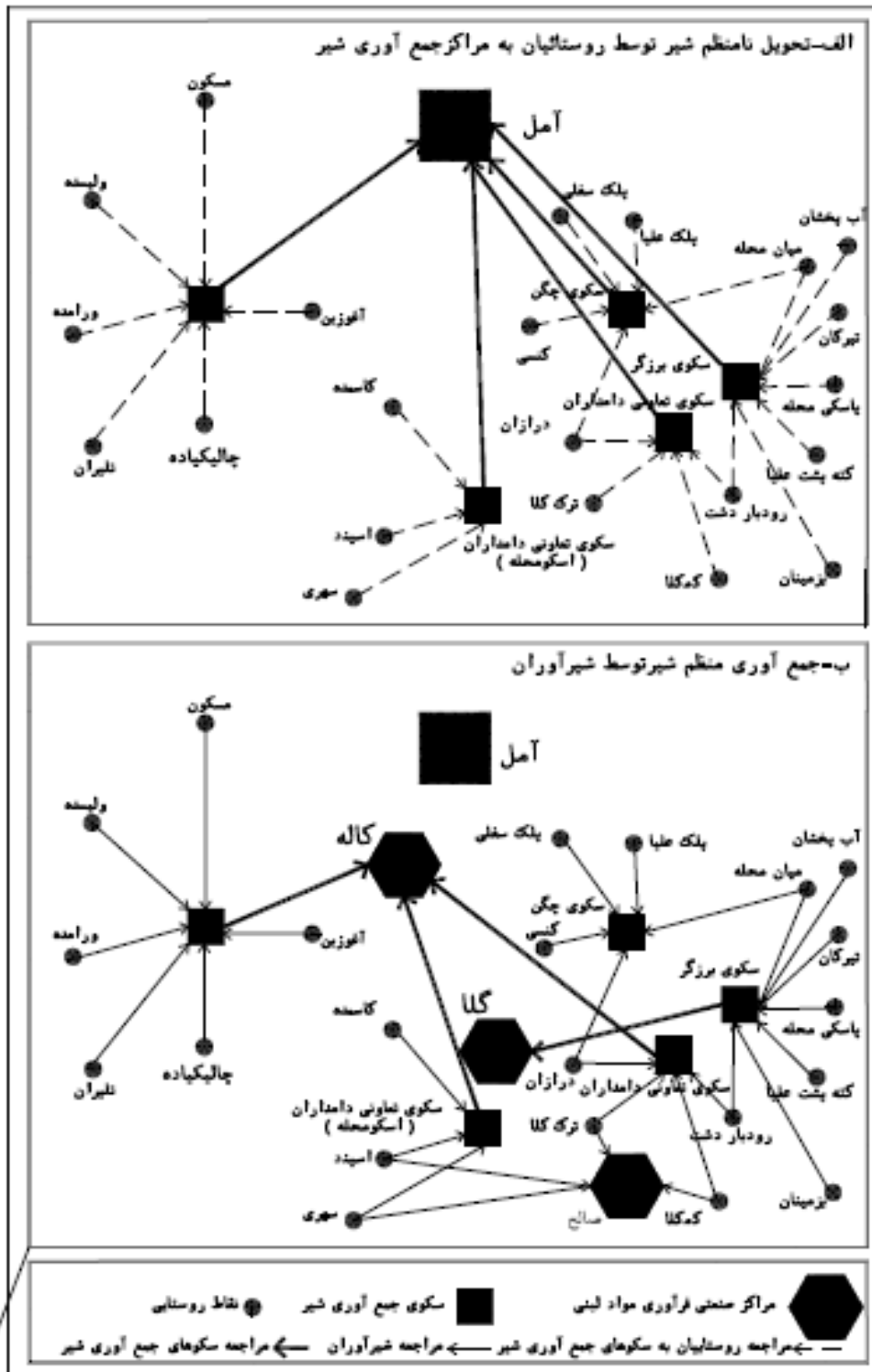
مختلف در نوسان است. براین اساس، به طور کلی می توان گفت، تعداد واحدهای کوچک بهره برداری دامی در روستاهای قسمت شمالی ناحیه از این تعداد در روستاهای قسمت جنوبی به مراتب کمتر است. از میان مهمترین عوامل دخالت کننده در این پراکنش ناموزون می توان از وضعیت طبیعی استقرار، سابقه و نوع فعالیت، نحوه دسترسی به زمین و مرتع و نیز تعلقات فرهنگی- اجتماعی^۱ یاد کرد.

براساس یافته های میدانی، متوسط سرانه تولید شیر یک دام بزرگ در واحدهای کوچک خانوادگی در سطح ناحیه برابر ۱۵ کیلوگرم در روز است. البته این میزان با دخالت عواملی همچون دوره زمانی، مثلا زمان زایمان یا فصل سال و نیز نژاد دام، نوع علوفه و نحوه تغلیف نوسان می پذیرد. بنابراین میزان تولید سرانه در سطح واحدهای موجود در روستاهای ناحیه با تفاوتی همراه است. با این همه، می توان تولید شیر سالانه واحدهای کوچک خانوادگی را برابر ۸۲۷۲۷ کیلوگرم در سال برآورد نمود.^۲

بررسیهای میدانی نشان می دهد که با احتساب حدود ۲۲۰۰ ریال میانگین قیمت یک لیتر شیر تولیدی در واحدهای خانوادگی (در سال ۱۳۸۴)، درآمد ناخالص سالانه خانوارها به طور متوسط حدود ۱۸۲ میلیون ریال است؛ البته واقعیت این است که سطح درآمدی خانوارهای مختلف روستایی با توجه به عوامل مختلف، از جمله تعداد دام در اختیار، بین ۶ میلیون ریال تا ۱۱۹۳ میلیون ریال در نوسان است.

^۱ . داشتن دام در روستاهای ناحیه گرچه منبع تکمیلی درآمد خانوارها به شمار می رود، اما ضمنا گاهی موبد نوعی بر خورداری از اعتبار اقتصادی و منزلت اجتماعی است.

^۲ . این مقدار با داده های رسمی سرشماری کشاورزی ۱۳۸۲ تفاوتی را نشان می دهد که در کنار سایر عوامل، موبد نوسان تولید سالانه است.



نمودار شماره ۱: چگونگی جریان کالا در شبکه تولید شیر (ناحیه لیتکوه)

ب) واحدهای بهره برداری نیمه صنعتی: این نوع واحدها که تعداد آنها در سطح ناحیه به ۵ واحد می رسد، واحدهایی هستند که هم از نظر نوع دام و نگهداری از آن و هم از لحاظ مقیاس و دامنه فعالیت با واحدهای کوچک خانوادگی تفاوت دارند. دامهای این واحدها از نوع دو رگه و نیز هلشتاین است که از نظر میزان شیردهی با یکدیگر تفاوت و به ترتیب روزانه حدود ۲۸ و ۳۵

کیلوگرم تولید دارند که در مقایسه با سرانه شیر تولیدی در واحدهای کوچک خانوادگی بیشتر است. قیمت شیر تولیدی در این گونه واحدها نیز نسبتاً بالاتر و به حدود هر کیلو ۲۲۰۰ تا ۲۴۵۰ ریال بالغ می‌گردد. هرچند واحدهای نیمه صنعتی نیز در درون شبکه ناحیه ای تولید و جمع‌آوری شیر فعال هستند، اما آشکار است که برخورداری آنها از امتیازات نسبی، به حجم سرمایه‌گذاری، مراقبت متفاوت و بیشتر از دام، برخی صرفه‌جویی‌های مقیاس و امکان چانه‌زنی بیشتر در بازار باز می‌گردد.

۲- سکوها یا مراکز جمع‌آوری شیر: این واحدها به عنوان *عامل واسط* بین واحدهای بهره‌بردار، بویژه واحدهای کوچک روستایی، با واحدهای بزرگ فرآوری عمل می‌کنند و به طور کلی به دو حوزه فعالیتی قابل تفکیک هستند: حوزه فعالیت شیرآوران و مراکز جمع‌آوری شیر.

الف) شیرآوران: شیرآوران از لحاظ عملکردی، واسطه‌های فردی و غیررسمی به شمار می‌روند که با جمع‌آوری شیر تولیدی خانوارهای روستایی و تحویل آن به واحدهای فرآوری مواد لبنی، در استمرار فعالیت شبکه به ایفای نقش می‌پردازند. دامنه عملکردی این افراد با توجه به عواملی همچون توان مالی، امکانات حمل و نقل و تعلقات محلی و دامنه ارتباطی متفاوت است و معمولاً طیفی از ۳ تا ۱۵ روستا را شامل می‌گردد.

البته خانوارهای بهره‌بردار در یک روستای معین نیز همیشه با یک شیرآور مشخص سروکار ندارند، بلکه گاهی به علل مختلف که عمدتاً از یک سو به نوع و دامنه روابط و همبستگیهای قومی-خانوادگی خانوارهای تولیدکننده و از سوی دیگر به نحوه و دامنه رقابت موجود میان شیرآوران در خرید شیر واحدهای خانوادگی باز می‌گردد، زیر پوشش عملکردی ۲ تا ۳ شیرآور مختلف قرار دارند. شیرآوران به طور معمول از هر کیلوگرم شیر جمع‌آوری شده بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال عایدی دارند.

ب) مراکز جمع‌آوری شیر: این مراکز که به تعداد ۹ واحد در سطح ناحیه فعالیت دارند، به دو صورت تعاونی و یا خصوصی اداره می‌شوند. این مراکز از نظر مکانی-فضایی اغلب در بخش جنوبی ناحیه و از جمله در روستاهای دیورز (۱ واحد)، اسکو محله (۱ واحد)، شیرکاج (۱ واحد)، کته پشت (۴ واحد) و کنسی (۲ واحد) استقرار یافته‌اند و شعاع عملکردی آنها تمامی سطح فضایی ناحیه را در بر می‌گیرد. البته نحوه گردآوری شیر واحدهای تولیدی به ۲ صورت انجام می‌پذیرد:

الف) مراجعه مستقیم خانوارهای ساکن در روستاهای اغلب نزدیک این مراکز که با برخورداری از وسیله نقلیه، شیر خود را مستقیماً به این مراکز (و در مواردی حتی واحدهای فرآوری) تحویل داده و بدینسان، با حذف عایدی افراد شیرآور، درآمد بیشتری نصیب خود می‌سازند؛ و

ب) تحویل شیر توسط شیرآوران (ضمناً نگاه شود به نمودار شماره ۱). مراکز و سکوها جمع‌آوری معمولاً شیر تولیدی را با توجه به معیارهای رسمی کیفیت شیر و قیمت‌های مصوب خریداری می‌کنند.

۳- واحدهای صنعتی فرآوری: در سطح ناحیه مورد بررسی تعداد ۴ واحد صنعتی فرآوری در شبکه ناحیه ای فعالیت دارند که عبارتند از واحدهای صنعتی کاله، شیرآوران، کلا و صالح. این

واحدها بخشی از شیر مورد نیاز خود را از افراد شیرآور مستقل و یا سکوها و مراکز جمع آوری تامین می کنند و به این ترتیب، از لحاظ عملکردی به تمام روستاهای موجود در شبکه ناحیه ای پیوند می خورند. البته برخی خانوارهای تولیدکننده و یا مراکز جمع آوری، بنا به عللی همچون رقابتهای بین واحدها و سودآوری بیشتر، شیر خود را به واحدهای فرآوری واقع در خارج از ناحیه، از جمله در شهرستانهای محمودآباد (واحد مهنا) و فریدونکنار (واحد دوکا) تحویل می دهند. همان گونه که جدول شماره ۲ نشان می دهد، واحدهای بهره برداری در ۲۳/۴٪ از روستاها، بیش از ۶۲٪ از دام و شیر تولیدی در ناحیه را در اختیار دارند. در مقابل، تنها ۳۷/۹٪ از دام و شیر تولیدی ناحیه به بقیه روستاها (۷۶/۶٪ از کل روستاها) تعلق دارد. این در حالی است که واحدهای بهره برداری در تنها ۷/۸٪ از روستاها، بیش از ۳۶٪ از دام ناحیه و کل شیر تولیدی را به خود اختصاص داده اند، در صورتی که در همین ارتباط، سهم بیش از ۵۱٪ از آبادیها با تعداد کم بهره بردار فقط کمی بیش از ۱۷٪ است.

جدول شماره ۲: سطح بندی روستاهای دارای بهره برداری دامی بر اساس تعداد دام و شیر تولیدی

سطح ۴		سطح ۳		سطح ۲		سطح ۱		سطح
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد/ میزان
۵۲	۵۳/۱	۱۵	۲۳/۵	۱۰	۱۵/۶	۵	۷/۸	تعداد روستا
۹۴۱	۱۷/۲	۱۰۸۸	۲۰/۷	۱۳۵۹	۲۵/۹	۱۸۹۸	۳۶/۲	تعداد دام (راس)
۲۵۶۸/۹۳	۱۷/۲	۲۹۷۰/۲۴	۲۰/۷	۳۷۱۰/۰۷	۲۵/۹	۵۱۸۱/۵۴	۳۶/۲	میزان شیر تولیدی (تن)

براساس داده های سرشماری کشاورزی ۱۳۸۲

پیامدهای مشارکت در شبکه ناحیه ای و نقش آن در توسعه روستایی

فعالیت در درون شبکه های ناحیه ای تا حدی قابل تاملی زمینه ساز تعامل نزدیک کشاورزان با مراکز و شرکتهای جمعآوری شیر و نحوه عمل و فعالیت واحدهای صنعتی شده اند و از این طریق، تمام خانوار کشاورزی را در این ارتباط درگیر ساخته است. نکته حائز اهمیت در ایجاد این گونه شبکه، ایجاد اشتغال و در واقع تنوع شغلی در محیطهای روستایی، بویژه برای زنان روستایی در واحدهای کوچک تولید خانوادگی بوده است. علاوه بر این، این گونه فعالیت با محیط طبیعی سازگار بوده، از جمله از طریق تولید کود حیوانی، موجب ترغیب کشاورزی سازگار با محیط زیست، به عبارتی "کشاورزی ارگانیک" شده است.

ارتقای سطح دامداری در این گونه شبکه ها نه تنها به تضمین فروش و درآمد تولید کننده های کوچک خانوادگی کمک می رساند، بلکه تاثیر مثبت بر حفظ محیط و اکوسیستم طبیعی ناحیه داشته است. با توجه به ارزش ریالی قابل توجه دامهای دورگه و حساسیت آنها در مقابل محیط (طبیعی) نامناسب، کشاورزان ترجیح می دهند، دامها را در طویله و با علوفه دستی نگهداری کنند.

از این رو، از تعداد دامهای کوچک که نگهداری از آنها که به فضاهای وسیعتر، علفزارها و مراتع بیشتر، هزینه نگهداری بیشتری داشته و نیز عایدی کمتری به دست می دهند، کاسته شده است. این امر خود باعث شده است تا از فشار بر مراتع و محیطهای جنگلی در حال تخریب ناحیه بکاهد و از سوی دیگر، زمینه بازسازی طبیعی (و نیز مصنوعی) این گونه عرصه ها را امکان پذیر سازد. به منظور بهبود شرایط فعالیت در این گونه شبکه ها، در کنار سایر موارد، ضروری است تا غذا و علوفه دامی کامل و نیز کشت گیاهان علوفه ای ماندگار و با دوام در اراضی کمتر مورد استفاده زمینه سازی شود. تغذیه در طویلله ضمنا موجب ترغیب کشاورزی/ارگانیک شده است. با تغذیه مناسبتر دامهای صنعتی و نیمه صنعتی، تولید کود افزایش یافته و کشاورزان به کاربرد بیشتر کودهای حیوانی و تولید سازگار با محیط طبیعی ترغیب شده اند. پیش از این، دامها که اغلب دام کوچک به شمار می آمدند، توسط چوپانها در قبال دستمزد به صحرا و ییلاق فرستاده می شدند؛ در آنجا نه تنها خطر ناکافی بودن تغذیه (و حتی سوء تغذیه) دامها و نیز از بین رفتن کود حاصله و عدم امکان جمعآوری آن مطرح بود، بلکه دوری از بازار و بعد مسافت، هزینه هایی اضافی را بر تولیدکننده تحمیل می کرد.^۱

دامداری مبتنی بر تولید شیر، برخلاف سایر فعالیتهای کشاورزی، منظم و در طول تمام سال برای خانوار روستایی درآمد تولید می کند. این گونه خانوارها برای شیر در هر ۲ تا ۴ هفته مبلغی دریافت می کنند. بدینسان، خانوارها برای رفع برخی نیازهای فوری و روزمره خود فراچنگ می آورند. زراعت مبتنی بر دامداری^۲ ضمنا موجب پایداری و تثبیت جمعیت و در مقابل، کاهش مهاجرتهای روستایی - شهری گردد. این امر به نوبه خود، مستقیما به زنان روستایی منافی را می رساند. همراه با پایداری، پیشرفت و بهبود عمومی از لحاظ شرایط بهداشتی زنان و کودکان فراهم می آید. بدینسان، کشاورزان تشویق می شوند، فرزندان خود را به مدرسه بفرستند. توانمندسازی زنان^۳ و پیشرفت اکوسیستم از دیگر پیامدها و دستاوردهای مثبت دامداری مبتنی بر تولید شیر به شمار می رود. تولید شیر فرصت خوبی برای زنان روستایی برای کسب درآمدهای پایدار فراهم آورده است، حال آنکه در عین حال، موجب ترغیب تغذیه مناسب در این چرخه، کشاورزی ارگانیک، تولید بیوگاز و تغذیه در طویلله نیز می شود که این فعالیتهای سازگار و متناسب با محیط طبیعی و برای حفظ آن نیز می گردد.

به عنوان دامداری مبتنی بر تولید شیر در چنین شبکه ای، نیاز به تشکلهای سازمانهای محلی برای بازاریابی شیر و فراهم سازی بسیاری از نیازها و نهادهای اساسی به شمار می رود. این گونه سازمانها

^۱. یک گاو با نگهداری در طویلله می تواند به طور معمول طی روز ۲۵ کیلوگرم کود فراهم سازد، حال آنکه پیش از این، این مقدار حداکثر به ۶ تا ۸ کیلوگرم می رسید. برای ایجاد یک واحد بیوگاز حدود ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم کود طی روز مورد نیاز است؛ این امر در گذشته عملا امکان پذیر نبود، اما با برخورداری هر خانوار از دو گاو نیمه صنعتی، این مقدار تپاله تامین می گردد و برپایی این گونه واحدها برای اغلب خانوارهای کشاورز به نحو بالقوه امکان پذیر می گردد. گاوهای به دنیا آمده در معمولا به فروش می رسند و از این طریق درآمدی برای خانوارها به دست می دهند.

^۲. dairy farming

^۳. empowerment of women

با پایداری درآمد از محل تولید شیر به حل سایر مسایل و نارساییهای خود نیز می کوشند؛ بدینسان، دامداری مبتنی بر تولید شیر (دامداری شیرمحور) فعالیتی اصلی و اساسی به شمار می رود که بسیاری از برنامه های توسعه را در و توسط جامعه روستایی می تواند قبول کرده، به پیش برد.^۱

گرچه در سالهای آغازین دهه اخیر، تعداد بیشتری از خانوارهای روستایی به نگهداری گاوهای دو رگه روی آورده اند، اما همگام با این استقبال، برخی ناهماهنگیها، بویژه نوسان نسبی قیمت شیر و مهمتر از آن، افزایش هزینه های نگهداری دام، بخصوص هزینه تعلیف در این ناحیه، در کنار برخی سیاستهای نامناسب و ناهماهنگ رسمی، موجب گردید تا تعدادی از خانوارهای روستایی یا تعداد گاو خود را کمتر کنند و یا حتی به فروش آنها و خروج از این فعالیت مبادرت ورزند. البته این گونه "نامنیهای" مربوط به فعالیت تنها به واحدهای کوچک خانوادگی محدود نمی گردد، بلکه واحدهای بزرگتر نیمه صنعتی نیز که در مقیاسی وسیعتر به فعالیت اشتغال دارند، با این گونه مسایل دست به گریبان هستند. بنابراین، طبیعی است که شبکه نوپای تولید و جمع آوری ناحیه ای که در شرایط عادی می تواند زمینه ساز گسترش فعالیتها و ارتقاء سطح درآمد روستاییان شود، با اختلال و نارسایی همراه گردد.

جمعبندی و نتیجه گیری

تحول و توسعه فضاهای روستایی و شهری به عنوان نظامهای استقرار انسانی همواره تحت تاثیر عوامل و نیروهای گوناگون محیطی- اکولوژیک، اجتماعی- اقتصادی و ... بوده است. روابط و پیوندهای روستایی- شهری به عنوان شبکه ای تعاملی بر مبنای قانونمندیهای حاکم بر پیوستگیهای بین سکونتگاهها و نقش و جایگاه هر یک از آنها تعریف و تبیین می گردد. در شرایط موجود به نظر می آید، پیوندهای روستایی با روستایی^۲ و شبکه های غیررسمی در بین روستاییان با منافع مشترک از مستحکم ترین این گونه تعاملات باشد. یکی از مهمترین نتایج شرکت در این گونه شبکه ها، مبادله و گسترش فناوریهای ایجاد شده در محل و یا خارج از محل از طریق تعامل روستایی با روستایی^۳ است. شبکه ها و پیوندهای غیررسمی^۴ ضمناً شامل مبادله و سهام شدن در اطلاعات، دانش، وسایل کشاورزی، نهاده هایی نظیر بذر و تسهیلات حمل و نقل محصولات زراعی به بازار است. در چنین بستری، روستاییان با یکدیگر در باره مسایل مبتلابه به مشورت پرداخته، در زمینه ترویج کشاورزی و سایر گروههای هم منفعت^۵ در تعامل قرار می گیرند.^۶

^۱ . کارشناسان به منظور مشارکت بیشتر تولیدکنندگان خرد توصیه می کنند، روستاییان لازم است تا خود راساً به ثبت منظم شیردهی و تغییرات آن طی دوره آشنا گردند. این امر می تواند به افزایش آگاهی در بین کشاورزان نسبت به تغییرات و نوسان شیردهی و راههای احتمالی پیشگیری و پیش بینی نسبت به آن منجر گردد.

^۲ . farmer-to-farmer linkages

^۳ . farmer-to-farmer interaction

^۴ . informal linkages

^۵ . interest groups

^۶ . FAO. pp. 3-4

در همین ارتباط، رویکرد شبکه منطقه ای بر نظام غیرمتمرکز برنامه ریزی برای بررسی و ارزیابی دامنه و نحوه عمل پیوندهای روستایی- شهری تاکید دارد. این رویکرد بسیاری از برداشتهای مرتبط با مدل‌های مبتنی بر نظامهای بالا به پایین^۱ و نظامهای شهری متعارف و غالب در سیاست‌گذاریها را به رویارویی می‌طلبد و نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع نگر به توسعه منطقه ای را مطرح می‌سازد که بر هماهنگ سازی و ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس ناحیه ای و محلی استوار است. علاوه براین، این رویکرد بر مجموعه ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت نهادهای توسعه گر اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداریهای منابع ناحیه ای، تقسیم کار موجود در بخشهای شهری و روستایی و نیازها و توانمندیهای توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد.^۲ همان گونه که رابینوویچ (۲۰۰۱)، کارشناس ارشد دفتر برنامه توسعه سازمان ملل، معتقد است، پیوندهای روستایی- شهری مقوله ای ذهنی و مطلق نیست، بلکه به نحوی عینی، به مثابه جریان افراد، سرمایه، کالاها، اطلاعات و فناوری در بین عرصه های روستایی و کانونهای شهری وجود و حضور دارند. تحقق فایده بخشی بالقوه پیوندهای روستایی- شهری نه تنها منوط به تقویت این گونه پیوندهاست، بلکه به توان ما در تبیین و پیشگیری از اثرگذارها منفی آنها بستگی تام دارد.^۳ برای درک مناسب تر این مقوله، رویکردی یکپارچه که تمامی جنبه های زنجیره غذایی را قویا مورد تاکید قرار دهد، الزامی است.

در این میان، آشکار است که جمعیت شهری و نیاز به مواد لبنی رو به رشد دارد. براساس برآوردهای فائو در سال ۲۰۲۵ میلادی، شهرهای با بیش از یک میلیون نفر جمعیت، حدود ۶۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای خواهند داد.^۴ مسلماً پاسخگویی به تقاضای روزافزون به مواد غذایی و در این میان، مواد لبنی این جمعیت روبه رشد، مستلزم افزایش کارایی در تمام جنبه های تولید کشاورزی است و در این میان، راهبردهای مناسب اصلاح روابط و تقویت پیوندهای روستایی- شهری و از آن طریق برقراری مناسبات بهتر بین تولید کنندگان روستایی و بازارهای شهری می‌تواند به طور جدی کارساز باشد. در این ارتباط، برپایی زیرساختهای مناسب بازاریابی که بتواند تولیدکنندگان روستایی را به بازارهای شهری پیوند دهد، می‌تواند نه تنها میزان تولید شیر را افزایش دهد، بلکه زمینه ساز افزایش سطح درآمد و ارتقاء سطح زندگی روستاییان گردد. هم‌نواپی نهادها و دستگاههای توسعه گر در زمینه تامین و ارائه نهاده های مختلف از منابع گوناگون، می‌تواند عنصری بنیادی در موفقیت در این زمینه به شمار آید، چنانکه ترغیب و حمایت از تعاونیهای متشکل از تولیدکنندگان کوچک امروزه به صورت امری بدیهی در تولید شیر در سطح جهان، بویژه در آسیا و منطقه اقیانوس آرام در آمده است.^۵ بدینسان، برنامه های توسعه فعالیت تولید لیبنیات

^۱. Centre-Down

^۲. Douglass, 1998, pp.16-17

^۳. Rabinovitch, 2001, P. 4

^۴. Phelan, 2002, p.3

^۵. Tacoli, 2004, p.2

مسلمانان در ترغیب رویکرد توسعه یکپارچه روستایی موثر واقع شده، سهم بالقوه و مهم آن در توسعه روستایی را مورد تاکید قرار خواهد داد.

طبعاً در غیاب برنامه ریزیهای مناسب و اجرای پروژه های جدی مطالعاتی و نیز توسعه فناوری نه تنها نمی توان به درستی در حل و تعدیل مسایل مبتلابه واحدهای کوچک خانوادگی در محیطهای روستایی موفق بود، بلکه نیاز روزافزون واحدهای تولید مواد لبنی و خانوارهای مصرف کننده در محیطهای شهری نیز پاسخ مناسب خود را دریافت نخواهند کرد.

منابع

- امجدی، جعفر (۱۳۸۳)، نقش واحدهای کارگاهی در تحول ساختاری - عملکردی سکونتگاههای روستایی / مورد دهستان وهن آباد (رباط کریم)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیا (به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، شناسنامه آبادیهای شهرستان آمل، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶؛
- سرشماری عمومی کشاورزی - ۱۳۸۲، نتایج تفصیلی شهرستان آمل، مرکز آمار ایران (بانک اطلاعاتی)، تهران، ۱۳۸۳؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران؛
- سعیدی، عباس (۱۳۸۲)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادراکی)، در: مجله جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، شماره ۱، صص (تاریخ چاپ ۱۳۸۴)؛
- عزیز پور، فرهاد (۸۵-۱۳۸۴)، مطالعات میدانی در روستاهای ناحیه لیتکوه؛
- مرکز بهداشتی - درمانی شهرستان آمل، (داده های آماری مربوط به روستاها)، ۱۳۸۴.
- Butler Flora, C. (2004), "Agricultural Change and Rural Development", in: Rural Development News, Vol. 27, Nr. 3;
- FAO (2004), Strengthening the Pluralistic Agricultural Extension System: a Zimbabwean Case, Sustainable Development Department, Rome (Italy) ;
- Douglass, Mike (1998), "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-urban Linkages." in: TWPR, 20(1), pp. 1-33;
- Garcia, O. et al (2005), The Economies of Milk Production in Chiang Mai, Thailand, with Particular Emphasis on Small-Scale Producers, PPLPI Working Papers, No.20 (FAO), Rome;
- Misra, H. N.(1986), "Rae Bareli Sultanpur and Pratapgarh Districts, Uttar Pradesh (North India)". In: Hardoy, J. E. and D. Satterthwaite (Eds.): Small and Intermediate Urban Centres; Their Role in Regional and National Development in the Third World, USA, pp. 185-224;
- Phelan, J.A. (2004), Experiences in dairy development, Animal Production and Health Division, FAO, Rome (Italy);

- **Rabinovitch, J. (2001), Placing Rural-Urban Linkages in the Development Debate, UNDP;**
- **Tacoli, C. (1998), Rural-urban interactions: a guide to the literature, Environment and Urbanization, Vol.10, No.1, PP. 147-166;**
- **Tacoli, C. (2004), Rural-Urban Linkages and Pro-Poor Agricultural Growth:An Overview, Prepared for OECD, Helsinki Workshop, 17-18 June 2004, Helsinki;**

Regional Networks and Local Development with Emphasis on Rural-Urban Linkages. The Case of Lithkuh Area (Amol/Mazanderan)

Saidi, Abbas & Farhad Azizpour

Keywords: Regional Network, Rural-urban Linkages, Local Development, Lithkuh Area, Rural Development

ABSTRACT

Regional networks are defined on the basis of existing different flows between rural settlements and urban centers. These flows are the principle basis of rural-urban linkages and exist in terms of the concrete flow of people, capital, goods, information, and technology and so on between rural and urban areas. In such a situation, the potential benefits of rural-urban linkages rest not only on strengthening these linkages but also mitigating their probable negative impacts. The main purpose of this paper is to gain insight into the household and farm economies of small-scale dairy farmers in an rural area in Northern Iran (Litkuh Area, Mazanderan Province) and to obtain estimates of their costs per unit of output, in milk production so as to gauge their potential for establishing and improving a regional network in an participatory framework - with especial emphasis on the role of rural women - which could link rural economies to the urban Markets. In this way, dairying, as an example, can be a valuable instrument in accelerating integrated rural development and social change. In order to ascertain possible developments in the small-scale dairy activities in the area, one should broadly identify areas of intervention, such as provision and training activities that favor small-scale dairy producers. So, there is a serious need to obtain strategies, promoting an integrated approach to all aspects of rural development with strong emphasis on meeting the challenge of creating better links between rural small-producers and urban markets. The establishment of such a infrastructure in this relation, could stimulate significant growth in milk supply and farmer income in rural areas.